

آخرین دفاعیه مصدق

باعث شرمساری سازمان ها ، افراد و جریان هایی

که به نام مصدق با آمریکا و انگلیس همکاری می کنند

طی آخرین دفاع خود و به منظور هدایت نسل جوان، می خواهم از روی يك حقیقتی پرده برگیرم و آن این است که در طول تاریخ مشروطیت ایران ، این اولین بار است که يك نخست وزیر قانونی مملکت را به حبس و بند می کشند و روی کرسی اتهام می نشانند . برای شخص من خوب روشن است که چرا این طور شده ، ولی می خواهم که قاطبه ملت ایران ، بخصوص افراد طبقه جوان که چشم و چراغ مملکت و مایه امید کشورند نیز علت این سخت گیری و شدت عمل را بدانند ؛ از راهی که برای طرد نفوذ بیگانگان پیش گرفته اند ، منحرف نشوند ؛ از مشکلاتی که در پیش دارند ، هیچ وقت باز نمانند .

به من گناهان زیادی نسبت داده اند ، ولی من خود می دانم که يك گناه بیشتر ندارم و آن این است که تسلیم تمایلات خارجیان نشده و دست آنان را از منافع ثروت ملی کوتاه کرده ام و در تمام دوران زمامداری خود ، از لحاظ سیاست داخلی و خارجی فقط يك هدف داشته ام و آن این بود که ملت ایران بر مقدرات خود مسلط شود و هیچ عاملی جز اراده ملت در تعیین سرنوشت مملکت دخالت نکند . پس از پنجاه سال مطالعه و تجربه ، به این نتیجه رسیدم که جز تامین آزادی و استقلال کامل ، ممکن نیست که ملت ایران بر مشکلات و موانع بی شماری که در راه سعادت و عظمت خود دارد ، غلبه کند و برای نیل به این منظور تا آنجا که توانستم ، کوشیدم .

راست است که می خواستند سرنوشت من و خانواده ام را درس عبرت دیگران کنند ، ولی من مطمئنم که نهضت ملی ایران خاموش شدنی نیست و هرگز فراموش نمی شود و سرنوشت افراد در مقابل حیات و استقلال ملل بی ارج و ارزش است . تنها آرزویم این است که ملت ایران ، عظمت و اهمیت نهضت خود را بخوبی درک کند و به هیچ صورت از تعقیب راه پرافتخاری که رفته است ، دست نکشد .

امیدوارم که تمام طبقات و آحاد و افراد ، از پیر و جوان ، پیرو هر مسلک و مذهب و دین، در هر شغل و مقام ، این معنی را بخوبی درک کنند که بیش از يك قرن سیاست های مخرب و مهلك خارجی در مقدرات وطن عزیز ما تأثیر فوق العاده داشت و تمام جریان سیاسی و اقتصادی مملکت را تحت تأثیر می گرفت ؛ مخصوصاً نفوذ سیاسی و اقتصادی امپراطوری انگلیس و حکمرانی آشکار و پنهان شرکت سابق نفت جنوب که در مدت نیم

قرن امکان تجدید حیات و فعالیت شرافتمندانه را از ما سلب کرده بود ، مقتضیات سیاسی دنیا و عشق و علاقه ای که عموم طبقات و افراد مملکت به مبارزه با این سرطان مهلك و طرد این سیاست استعماری داشتند ، به من و دوستانم فرصت داد تا با استمداد از همت بلند و اراده محکم هموطنان در قطع نفوذ این سیاست مخرب قیام کنیم و بساط حکمرانی این پایگاه استعماری را برچینیم .

* * * * *

ملی کردن صنعت نفت و بیرون راندن استعمارگران انگلیسی از ایران ، نخستین اقدام مصدق برای استقلال و آزادی و معنی دادن به مفهوم اراده ملی در حاکمیت سیاسی و اقتصادی بود . علاوه بر خروارها سند و مدرک و معذرت خواهی مادلن آلبرایت وزیر خارجه بیل کلینتون از مردم ایران ، استیفن کینزر در فصل پنجم آخرین کتاب تحقیقی خود « براندازی » که ترجمه آن به قلم فریدون گیلانی را در اغلب سایت های پیشرو ، ضد ارتجاع و ضد امپریالیست ملاحظه می فرمائید ، به دقت تحقیق کرده است که چگونه زمانی که بریتانیا حریف دکتر مصدق نشد ، ایالات متحده را وارد صحنه کرد تا با عملیات مشترکی به نام « عملیات آژاکس » به رهبری دوایت آیزنهاور و جان فاستر دالس وزیر امور خارجه او، با مدیریت کرمیت روزولت ، دولت ملی و منتخب دکتر مصدق را سرنگون کنند . برای این اقدام ، سردبیران ، روزنامه نگاران ، وکلای مجلس، روحانیت ، چاقوکش های به نام ، بازاری ها ، ژنرال فضل الله زاهدی ، سرهنگ نعمت الله نصیری و عده ای از ارتشی ها را خریدند .

دکتر مصدق در دادگاه دیگری که متن آن در آینده از نظر شما خواهد گذشت ، در پاسخ تیمسار آزموده در دادگاه ضد خلقی ، که به او گفت دیدید چگونه شما را دستگیر کردیم و به زنجیر کشیدیم و اکنون محکوم تان می کنیم ، گفت : **این شما نبودید که با من چنین کردید ، این آمریکا بود که با من چنین کرد و شما وسیله ای بیش نبودید .**

مردم ایران باید از خود بپرسند که چگونه اکنون سازمان ها ، جبهه ها و افرادی پیدا شده اند که خود را مصدقی می دانند و با سوء استفاده از نام او ، از حمله نظامی به ایران و تحریم مردم ایران دفاع می کنند و آن « اراده مردم » و « استقلال ملی » را که تکیه گاه سیاسی دکتر مصدق بود ، علنا زیر پا گذاشته اند و به نیروهای امپریالیستی دخیل بسته اند و تن به مامور بودن و مزدور بودن امپریالیزم جهانی به سرکردگی آمریکا در داده اند .

همانگونه که مصدق در سال 1332 (1953) ، تاکید می ورزید ، برای سرنگونی بی و چون چرای جمهوری جنایت کار اسلامی ، تنها باید به اراده توده های تحت ستم تکیه کرد ، نه به چپاولگران امپریالیست . بنابراین ، همه سازمان ها و جبهه ها و جریان ها و

افرادی که خود را مصدقی معرفی می کنند و به جای تکیه به اراده مردم ستمدیده ایران ، به امپریالیست ها نزدیک شده اند ، همانقدر مزدور و میهن فروش و خائن به مصالح و منافع مردم ایران اند که جمهوری اسلامی . اینان ، که به عنوان چوب بست و موتور نگهدارنده امپریالیست ها عمل می کنند ، درست مثل جرثومه هائی که از جناح های جمهوری اسلامی دفاع می کنند ، به قول احمد شاملو « بی چرا زندگانند » که هیچ چیز جز شرمساری و ننگ اجتماعی و تاریخی برای خود نمی خرنند و می دانند که مردم ایران با تکیه به اراده قدرتمند خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی ، فقط به ریش و گیس آنان می خندند . بخصوص اکنون که جناح چپ جنبش دانشجویی ، جنبش توفانی زنان و جنبش کارگری ، علیه حاکمیت خونبار اسلامیست ها برخاسته اند و آگاهانه زیر آتش می غرند .

حزب سوسیالیست ایران

30.06.2008